

فصلنامه علمی - تخصصی

## مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

گروه علمی - تربیتی تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء (ع)

دوره دوم \* شماره پنجم \* پاییز ۱۴۰۲



### واکاوی و نقد شبهه ابن تیمیه در مورد شأن نزول آیه ولایت

آمنه شهبازی<sup>۱</sup>

سیدحسین شفیعی دارابی<sup>۲</sup>

#### چکیده

از دیرباز، پیرامون آیات قرآن کریم که بر امامت خاصه دلالت دارند، شبهات متعددی مطرح شده است. یکی از این شبهات، شبهه‌ای است که توسط ابن تیمیه حرّانی در مورد شأن نزول آیه ولایت مطرح شده است. ابن تیمیه در کتاب «منهاج السنه» به شدت نزول آیه ولایت در شأن امیرالمؤمنین علی (ع) را انکار می‌کند و حدیث مربوط به این شأن نزول را ساخته و پرداخته شیعیان می‌داند. او صراحتاً می‌گوید: «به اجماع اهل حدیث آگاه، این شأن نزول کذب محض است.» ابن تیمیه برای اثبات ادعای خود به شواهد و قرآن مختلف تمسک می‌کند. این پژوهش که با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است، به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که شبهه ابن تیمیه در مورد شأن نزول آیه ولایت و تقدّم‌های وارد بر آن چه می‌باشد؟ یافته‌های کلیدی این پژوهش عبارتند از: ادعای اجماع در مورد این شبهه، مبنای درستی ندارد. این شبهه صرفاً ادعایی بدون پشتوانه است و اجماعی که نویسنده به آن استناد می‌کند، وجود خارجی ندارد. انکار شأن نزول ارائه شده، حتی با دیدگاه‌های علمای اهل سنت همخوانی ندارد. ریشه این ادعا بیشتر از آنکه در استدلال‌های عقلی و نقلی باشد، به شخصیت، افکار و اندیشه‌های شخصی ابن تیمیه باز می‌گردد. از نظر علمی، چنین آرای سست و بی‌مبنا هستند. با این حال، تجربه نشان داده که اینگونه ادعاها می‌توانند پیامدهای خطرناکی در عمل داشته باشند.

#### واژگان کلیدی

ابن تیمیه، امامت خاصه، آیه ولایت، شأن نزول، شبهه.

Email:valasrshahbazi@Gmail.com	۱- دانش پژوه سطح ۴، تفسیر تطبیقی، جامعه الزهراء (ع) (نویسنده مسئول)
Orcid: 0009-0009-4412-0235	۲- استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی (ع)، مدیرگروه تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهراء (ع)
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰
استناددهی: شهبازی، آمنه؛ شفیعی دارابی، سیدحسین (۱۴۰۲). «واکاوی و نقد شبهه ابن تیمیه در مورد شأن نزول آیه ولایت»، مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، دوره ۲، ش ۵، صفحات: ۳۱-۵۴.	

## ۱. مقدمه

اهمیت امامت در اسلام بر کسی پوشیده نیست. از این رو، علمای شیعه همواره در تبیین و اثبات آن کوشا بوده‌اند و آثار ارزشمندی در این زمینه خلق کرده‌اند. «منهاج الکرامة فی معرفة الإمامة» اثر علامه حلی (متوفای ۷۲۶ق) از جمله این آثار برجسته است. اما احمد بن عبدالحلیم بن تیمیة حرّانی (متوفای ۷۲۸ق)، حنبلی و سلفی، در کتاب «منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة و القدریة» به نقد محتوای این اثر پرداخته است. یکی از محورهای نقد ابن تیمیة، انکار نزول آیهی ۵۵ مانده (معروف به آیهی ولایت) برای تمجید از امام علی علیه السلام و اثبات شایستگی ایشان برای امامت است. او در این راستا، احادیث مربوط به شأن نزول این آیه را مجعول دانسته و شیعه را به جعل آنها متهم می‌کند.

ابن تیمیة، با اتکا به عبارت «وهذا کذب باجماع اهل العلم بالنقل»، سعی در القای این مطلب به مخاطب دارد که شأن نزول آیهی ولایت مورد اعتقاد شیعیان، ناشی از حدیثی جعلی است که به اجماع اهل حدیث، کذب محض تلقی می‌شود. قرن‌ها از طرح این شبهه توسط ابن تیمیة می‌گذرد و نقدهای متعددی از سوی محققان بر آن وارد شده است. با این حال، در دهه‌های اخیر شاهدیم که این شبهه به دستاویزی برای نااهلان تبدیل شده و مروجان اندیشه‌ی انحرافی ابن تیمیة در قالب‌های نو، آن را احیا می‌کنند. هدف آنها خدشه‌دار کردن پیوند ناگسستگی میان نزول آیهی ولایت، رفتار نیکو و شایستگی امام علی علیه السلام برای جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و رهبری امت اسلامی است.

با توجه به اهمیت پاسخ‌گویی به شبهه‌ی ابن تیمیة در مورد شأن نزول آیهی ولایت و نقد وارده بر آن، این پژوهش با هدف بررسی و تبیین این موضوع تدوین شده است.

### ۱-۱. پیشینه‌ی تحقیق

اهمیت موضوع امامت به‌ویژه، زمینه‌ساز تلاش‌های علمی گسترده و ارزشمندی در راستای تبیین و نقد شبهات مطرح شده پیرامون آیات مرتبط با این موضوع بنیادین، به‌خصوص «آیهی ولایت»، شده است. برای فراهم آوردن بستری مناسب جهت آشنایی با این تلاش‌ها، پیشینه‌ی این تحقیق در قالب دسته‌بندی‌های زیر ارائه می‌شود:

### الف) پیشینه‌ی امر

مقصود از این دسته از پیشینه، پژوهش‌هایی است که به شیوه‌ی مستقل و با صبغه‌ی تطبیقی، به طرح دیدگاه فریقین، پیرامون آیات ناظر به مسئله‌ی «ولایت» پرداخته‌اند؛ از باب نمونه:

- کتاب «بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت در دیدگاه فریقین» نوشته‌ی فتح‌الله نجارزادگان، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛

- مقاله‌ی «آیات ولایت در پژوهش‌های فریقین» تألیف عزت‌الله مولایی نیا، شهید بانو نوری، بتول ملکی، دوفصلنامه‌ی رویکرد مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، دوره‌ی ۹۳، شماره‌ی ۳، سال انتشار ۱۳۹۳؛

### ب) پیشینه‌ی عام

در این قسمت از پیشینه، از نگاه‌هایی یاد می‌شود که در قالب بررسی مجموعه شبهات و نقدهای مطرح در عرصه‌ی استناد به آیه‌ی ولایت و بدون اتکاء و انحصار به شبهه‌ی مطرح شده توسط ابن‌تیمیه پیرامون آن، تدوین یافته‌اند؛ از قبیل:

- مقاله‌ی «نقد و بررسی شبهات در مورد آیه‌ی ولایت» نوشته‌ی سیدسجاد حسین نقوی، که در کنگره بازخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است؛

- مقاله‌ی «نقد و بررسی اشکالات فخر رازی به آیه‌ی ولایت با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله محمدهادی معرفت» اثر عیسی عیسی‌زاده، نیکزاد عیسی‌زاده، مطالعات علوم قرآن، سال اول، شماره‌ی ۲، زمستان ۱۳۹۸؛

- مقاله‌ی «پاسخ‌های نقضی به شبهات اهل سنت درباره‌ی آیه‌ی ولایت»، نوشته‌ی حامد دژآباد، علیرضا صادقی، مهدی فرامرزی پلنگر، پژوهشنامه کلام، سال هفتم، شماره‌ی ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۹؛

- مقاله‌ی «نقدهای تسنیم در آیه‌ی ولایت بر مفاتیح الغیب: تحلیل روش شناختی» نوشته‌ی حمید محمدی و احمد زارع زردینی، پژوهشنامه‌ی نقد آرای تفسیری، سال سوم، شماره‌ی ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱؛

### ج) پیشینه‌ی خاص

منظور از پیشینه‌ی خاص، تحقیقاتی است که در عناوین آنها، تکیه بر شبهه و دیدگاه ابن تیمیه پیرامون آیه ولایت نشده است؛ همانند:

- مقاله‌ی «بازخوانی مدارک و اسناد شأن نزول آیه‌ی ولایت» نوشته‌ی فتح‌الله نجارزادگان، طلوع، شماره‌ی ۱، ۱۳۸۱؛

- مقاله‌ی «بررسی روایان شأن نزول آیه‌ی ولایت» نوشته‌ی سیدمحمد مرتضوی، فصلنامه دانشکده الهیات و معارف مشهد، شماره‌ی ۷۰، ۱۳۸۴؛

### د) پیشینه‌ی اخص

در این بخش از پیشینه، از نگاه‌هایی یاد می‌شود که در آنها به‌طور انحصاری به طرح و نقد شبهه‌ی ابن تیمیه در مورد باور شیعه به شأن نزول آیه ولایت و شایستگی امام علی علیه السلام برای جانشینی رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرداخته شده است؛ از باب نمونه:

- مقاله‌ی «تعارض نظر ابن تیمیه با نظرات علمای اهل سنت در شأن نزول آیه‌ی ولایت» تالیف احمد سعدی و ابوالفضل قاسمی، نشریه‌ی سلفی پژوهی، شماره‌ی ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴؛

- مقاله‌ی «نقدی بر دیدگاه ابن تیمیه در منهاج السنة درباره‌ی آیه‌ی ولایت با تأکید بر منابع اهل سنت» نوشته‌ی سیدمقداد ابراهیمی پاکزاد، عبدالرحمن باقرزاده، فصلنامه‌ی علمی ترویجی سراج منیر، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲۴، بهمن ۱۳۹۵؛

- مقاله‌ی «تحلیل محتوی الایة ۵۵ من سورة المائدة فی نقد شبهات ابن تیمیه فی کتاب منهاج السنة»، نوشته‌ی کاوس روحی برندق، لیلا مرادی، آفاق الحضارة الاسلامیه، سال ۲۴، شماره‌ی ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰.

- مقاله‌ی «بازخوانی دیدگاه ابن تیمیه در اجماع‌سازی و تضعیف شأن نزول آیه‌ی ولایت» اثر سیدمهدی حسینی‌خواه و نجم‌الدین طبسی، دو فصلنامه مذاهب کلامی، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۱، مهر ۱۴۰۱.

نکته‌ی شایان ذکر اینکه: وجه تمایز مقاله‌ی پیش‌رو با کارهای ارزشمند پیشین، در زاویه‌ی



دید، محتوا و نوع ساختار است.

## ۲-۱. مفهوم شناسی

تفاوت در برداشت از کلمات می‌تواند آسیب‌های جدی به پژوهش وارد کند، از جمله حصول نتایج نادرست. به همین دلیل، پیش از ورود به بحث کلمات کلیدی، مفهوم‌شناسی آن‌ها ضروری است تا از بروز خطاهای احتمالی جلوگیری شود. در این راستا، پیش از پرداختن به مباحث اصلی، به این امر مهم می‌پردازیم.

### الف) مفهوم لغوی ولایت

«ولایت» از مادهی «ولی» است. اهل لغت در بیان معنای «ولایت» و ریشه‌ی آن، چند معنا بیان کرده‌اند:

**اول:** به معنای «قرب» است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۴۱/۶؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۶۷۲/۲؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۲۵۲۸/۶؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۱۰/۲۰). راغب نیز گفته است: «الْوَلَاءُ» و «التَّوَالِي» به این معناست که دو چیز یا بیشتر از آن به گونه‌ای قرار گیرند که بین آن دو، چیزی که از آن دو نیست، نباشد و آن استعاره آورده می‌شود از قرب از حیث مکان و از حیث نسبت و از حیث صداقت و نصرت و اعتقاد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۸۵).

**دوم:** به معنای «نصرت» است (فیومی، ۱۴۱۴: ۶۷۲/۲؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۲۵۳۰/۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۸۵).

**سوم:** نکته‌ی قابل توجه اینکه: اگرچه جوهری خود «ولی» را به معنای قرب و نزدیکی می‌داند اما معانی دیگری را نیز بیان کرده است. از جمله برای واژه‌ی «ولایت» به کسر لام، معنای «سلطان» را ذکر نموده است (جوهری، ۱۳۷۶: ۲۵۳۰/۶).

**چهارم:** جوهری معنی «دوست» را نیز بیان کرده؛ به این صورت که، «ولی» را به «ضد عدو» معنا کرده است (جوهری، ۱۳۷۶: ۲۵۲۹/۶).

### ب) مفهوم اصطلاحی ولایت

معنای اصطلاحی «ولایت» عمیقاً وابسته به برداشت ما از معنای لغوی آن است. در مذهب شیعه، «ولی» در آیه‌ی قرآن به سرپرست و متصدی امور جامعه‌ی مسلمانان اشاره دارد،

همان طور که در عبارت «الاب ولی الطفل، الحاکم ولی القاصر» آمده است. قرائن متعددی گواه بر این مدعاست که منظور از «ولی» در آیهی مورد بحث (مائده: ۵۵) صرفاً محب و دوست یا ناصر و یاور پیامبر نیست، بلکه مقصود مقام شامخ ولایت است که خداوند به طور ذاتی دارا بوده و پیامبر و جانشینان ایشان به واسطه‌ی عنایت الاهی به آن نائل می‌شوند (سبحانی، ۱۳۸۴: ۱۱۲). آیت‌الله سبحانی در ادامه برای اثبات درستی این اصطلاح، سه قرینه ذکر کرده است (سبحانی، ۱۳۸۴: ۱۱۲). بنابراین ولایت مخصوص خدا و رسول و مؤمنان خاصی است که در آیه از آنها یاد شده است و مراد از «ولی»، متولی امور و مستحق تصرف در آن است (مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۴۴/۴).

## ۲. شأن نزول آیهی ولایت در تفاسیر فریقین

قبل از پرداختن به شبهه‌ی ابن تیمیه پیرامون شأن نزول آیهی ولایت، ضروری است که نگاهی اجمالی به دیدگاه‌های دو مذهب شیعه و سنی در این خصوص داشته باشیم.

### ۲-۱. دیدگاه شیعه

اجماع علمای شیعه بر نزول آیهی ولایت در شأن و منزلت امیرالمؤمنین علی علیه السلام گواهی محکمی بر جایگاه رفیع ایشان در اسلام است (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۳۲۷؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۳۷؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۲/۳۱۵؛ قمی، ۱۳۶۳: ۱/۱۷۰). روایت مشهور ابن عباس از ابوذر غفاری، که صاحب مجمع البیان آن را در تفسیر خود نقل کرده است، از جمله مستندات شیعه در اثبات نزول این آیه در حق حضرت علی علیه السلام به شمار می‌آید. در بخشی از این روایت آمده است:

«ابوذر می‌گوید: روزی با پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول نماز ظهر بودیم که سائلی در مسجد درخواست کمک کرد، اما کسی به او چیزی نداد. او دستش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «خداوندا گواه باش که در مسجد پیامبر تو از مردم درخواست کمک کردم، ولی کسی به من یاری نرساند» در این هنگام، حضرت علی علیه السلام که در حال رکوع نماز بود، با انگشت دست راست خود که انگشتی در آن داشت به سوی سائل اشاره کرد و او انگشتش را از دست ایشان بیرون آورد».

طبرسی در تفسیر خود، ضمن تأیید نزول آیه در مورد صدقه دادن انگشتی حضرت علی علیه السلام در حال رکوع، از روایات متعددی از مجاهد، سدی، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و نیز

اهل بیت (علیهم السلام) در این زمینه نقل می‌کند. همچنین، اشعار حسان بن ثابت، که بر پایه‌ی همین شأن نزول سروده شده است، گواه دیگری بر این مدعاست (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۲۵).

علامه طباطبایی (رحمته الله) در تفسیر المیزان می‌فرماید: «روایات متعددی در متون حدیثی شیعه و اهل سنت وجود دارد که به‌طور واضح و گویا بر این نکته دلالت می‌کنند که آیه‌ی «ولایت» در ماجرای صدقه دادن انگشتر حضرت علی (علیه السلام) در حال نماز نازل شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸/۶).

## ۲-۲. دیدگاه اهل سنت

اهل سنت در تفسیر شأن نزول آیه‌ی ولایت، دیدگاه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند که به اختصار به شرح زیر است:

- علی بن ابی طالب (علیه السلام) (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۴/۱۱۶۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۶/۲۲۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۲/۳۸۳).

- عبادة بن صامت (طبری، ۱۴۱۲: ۶/۱۸۶). ابوبکر (قرطبی، ۱۳۶۴: ۶/۲۲۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۲/۳۸۳).

- جمیع مؤمنین (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۲/۲۸۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۶/۲۲۱؛ واحدی، ۱۴۱۵: ۳۲۵/۱؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۲/۶۳).

نکته: ذکر اقوال فوق در منابع مذکور، صرفاً به معنای تأیید آنها توسط مؤلف آن کتاب‌ها نیست، بلکه ممکن است صرفاً بیان دیدگاه‌های مختلف در این زمینه باشد.

## ۳. شبهه‌ی ابن تیمیه درباره‌ی شأن نزول آیه

ابن تیمیه ذیل آیه‌ی ولایت گفته است: «وَقَدْ وَصَّحَ بَعْضُ الْكُذَّابِينَ حَدِيثًا مُفْتَرًى أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ لَمَّا تَصَدَّقَ بِخَاتَمِهِ فِي الصَّلَاةِ، وَهَذَا كَذِبٌ. يَجْمَعُ أَهْلُ الْعِلْمِ [بِالنَّقْلِ]، وَكَذِبُهُ بَيِّنٌ، مِنْ وُجُوهِ كَثِيرَةٍ؛ برخی از کذابین (دروغ گویان) حدیث دروغینی ساخته‌اند مبنی بر اینکه این آیه در مورد علی بن ابی طالب (علیه السلام) نازل شده؛ آن زمان که انگشترش را در نماز صدقه داد و این دروغ است به اجماع دانشمندان آگاه به نقل و کذب آن از وجوه زیادی آشکار است» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۲/۳۰).

آنگاه دلایلی می آورد از جمله اینکه صیغهی به کار رفته در آیه مانند «الذین» جمع هست، در حالی که علی یک نفر است. وی پس از طرح چند شبهه‌ی دیگر از این دست، به تشیع حمله کرده و می‌گوید: «در میان طوائف منسوب به قبله در افتراء به خدا و تکذیب حق، بزرگتر از منسوبین به تشیع وجود ندارد» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۳۶/۲).

#### ۴. خاستگاه شبهه

یکی از موارد کلیدی درباره‌ی شبهه‌ی ابن تیمیه، بررسی خاستگاه شکل‌گیری آن است. در ذیل برخی زمینه‌های شکل‌گیری شبهه را می‌آوریم.

##### ۱-۴. بغض مفرط نسبت به اهل بیت به‌ویژه امیرمؤمنان (علیه السلام)

ابن تیمیه، از جمله شخصیت‌های بحث‌برانگیز تاریخ اسلام، به دلیل انکار و تردید در صحت آیات و روایات مربوط به اهل بیت عصمت و طهارت، مشهور است. این امر، هم از آثار و نوشته‌های خود او و هم از نظرات دیگران درباره‌اش به وضوح قابل استنباط است. کتاب «منهاج السنة» او نمونه بارزی از این رویکرد است.

با بررسی فهرست کتاب «دراسات فی منهاج السنة لمعرفة ابن تیمیه» اثر آیت‌الله میلانی، حجم گسترده‌ی انتقادات و تردیدهای ابن تیمیه علیه جایگاه و منزلت اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) آشکار می‌شود. او در این کتاب، به تکذیب شان نزول آیات و احادیث معتبر و حتی متواتر، به‌ویژه آنهایی که در مدح و فضیلت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بیان شده‌اند، می‌پردازد (میلانی، ۱۴۱۹: ۵۹۰-۵۹۲).

شدت انحرافات ابن تیمیه در این زمینه به حدی بود که برخی از علمای اهل سنت، از جمله ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ق)، او را به دلیل سخنانش درباره‌ی علی (علیه السلام)، منافق دانسته‌اند (عسقلانی، ۱۳۹۲: ۱۸۱/۱-۱۸۲). عسقلانی به نقل از آن علما به مواردی از اتهامات ابن تیمیه درباره‌ی حضرت اشاره کرده است. از جمله: هنگام به دست‌گیری خلافت مخذول بود، برای ریاست می‌جنگید نه دیانت، حب قدرت داشت، در بچگی اسلام آورد، پس اسلامش صحیح نیست و... برخی این گزارش ابن حجر عسقلانی را یکی از مهم‌ترین مستندات منتقدان منهاج با رویکرد اعتقادی و اهل بیت ستیز دانستن ابن تیمیه معرفی کرده‌اند (مروجی طبسی، ۱۳۹۸: ۸۳).

واضح بودن موضع اهل بیت ستیزانه‌ی ابن تیمیه به حدی است که بسیاری از علمای فریقین را بر آن داشت تا تألیفات متعددی در نقد و رد این دیدگاه بنگارند. مروجی طبسی در کتاب خود ۶۵ اثر را به صورت مستند معرفی کرده که از این تعداد ۲۹ مورد تألیف علمای اهل سنت و ۳۶ مورد اثر عالمان شیعه است (صائب عبدالحمید، ۱۴۱۴: ۷۹-۱۰۵).

## ۲-۴. محبت به بنی امیه و دل‌باختگی به آنان

گرایش ابن تیمیه به بنی امیه، در آثار و رفتار او آشکار است. او در کتاب «منهاج السنة» فصلی را به دفاع از معاویه اختصاص داده و روایات منسوب به مذمت او را رد می‌کند (رجوع کنید به: ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۴/۴۳۱). این دیدگاه، تناقض‌هایی در رفتار او در موارد مشابه ایجاد کرده است. برای نمونه، ابن تیمیه در تحلیل جنگ صفین بین امام علی علیه السلام و معاویه، تلاش می‌کند تا معاویه را از خطای آشکارش تبرئه کند و می‌گوید: «وَلَهَذَا كَانَ مِنْ مَدَاهِبِ أَهْلِ السُّنَّةِ الْإِمْسَاكُ عَمَّا شَجَرَ بَيْنَ الصَّحَابَةِ فَإِنَّهُ قَدْ تَبَتَّ فَضَائِلُهُمْ، وَوَجِبَتْ مُوَالَاتُهُمْ وَمَحَبَّتُهُمْ. وَمَا وَقَعَ مِنْهُ مَا يَكُونُ لَهُمْ فِيهِ عُذْرٌ يَخْفَى عَلَى الْإِنْسَانِ، وَمِنْهُ مَا تَابَ صَاحِبُهُ مِنْهُ، وَمِنْهُ مَا يَكُونُ مَغْفُورًا» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۴/۴۴۸-۴۴۹). از این رو، اهل سنت بر پرهیز از اختلاف نظر میان صحابه تأکید می‌کنند، چرا که فضایل و مقامات ایشان ثابت شده است. محبت و مودت به ایشان واجب است و آنچه از آنان سر زده، یا ناشی از عذری پنهان بوده و یا خطایی است که از آن توبه کرده‌اند و یا مورد مغفرت الاهی قرار گرفته است و در نهایت می‌گوید: «[وَلَهَذَا كَانَ] الْإِمْسَاكُ طَرِيقَةُ أَفْضَلِ السَّلَفِ» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۴/۴۴۹). این امساک روش افاضل سلف بوده است. صائب عبدالحمید درباره‌ی ابن تیمیه می‌گوید: «بل کان مذهبه: وجوب الاطاعة للسلطان، و حرمة الخروج عليه و ان كان ظالما» (صائب عبدالحمید، ۱۴۱۴: ۸۳) مذهب ابن تیمیه وجوب اطاعت از سلطان و حرمت خروج بر اوست اگر چه ظالم باشد.

نکته‌ی قابل توجه: ابن تیمیه در مورد عدم جواز خروج بر ولات امر می‌گوید: «اما اهل علم و دین و فضل، به هیچ وجه به احدی در آنچه خداوند از آن نهی کرده است، مانند معصیت و فریبکاری و خروج بر ولات امر، اجازه نمی‌دهند. این امر، چنان‌که از عادات اهل سنت و دین، قدیم و جدید، و از سیره غیر ایشان آشکار است» (ابن تیمیه، ۱۴۱۶: ۳۵/۱۲).

آنگاه ابن تیمیه روایتی از صحیح مسلم نقل می‌کند که به دوران یزید و پس از واقعه‌ی حره مربوط می‌شود. او می‌گوید: «عبدالله بن عمر نزد عبدالله بن مطیع آمد، هنگامی که واقعه‌ی حره به وقوع پیوسته بود؛ در زمان یزید بن معاویه. عبدالله بن مطیع گفت: «برای ابن عمر متکا بگذارید» ابن عمر گفت: «نزد تو نیامدم که بنشینم، بلکه آمدم تا حدیثی برایت نقل کنم که از رسول خدا ﷺ شنیده‌ام: «کسی که بیعت نکرده باشد، روز قیامت در حالی خدا را ملاقات می‌کند که حجتی ندارد و کسی که بمیرد و در گردنش بیعت نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است» (ابن تیمیه، ۱۴۱۶: ۱۱/۳۵).

ابن تیمیه در ادامه روایاتی با مضمونی نزدیک به این روایت نقل می‌کند که تأیید کننده‌ی نظر صائب عبدالحمید در این زمینه است. اما سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه کسانی در قضایای جنگ جمل و جنگ صفین با حاکمان وقت مخالفت و قیام کردند؟ یا در فتنه‌ی نهروان چه کسانی با خلیفه‌ی منتخب مردم، یعنی علی علیه السلام مخالفت ورزیدند؟

### ۳-۴. کج فهمی و فهم نادرست از آموزه‌های دینی و اصرار بر آنها

ابن تیمیه، با وجود تالیفات فراوان و اظهار نظر در زمینه‌های مختلف، درک نادرستی از آموزه‌های دینی داشت که در نوشته‌هایش نمود بارزی یافته است. این تناقضات تا حدی عمیق است که حتی بدیهیات را نیز انکار می‌کند. ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ق)، یکی از علمای اهل سنت، در کتاب خود به انشعابات ایجاد شده در پی آرای ابن تیمیه اشاره می‌کند (عسقلانی، ۱۳۹۲: ۱/ ۱۸۰ و ۱۸۱). عده‌ای او را به دلیل عقایدش در خصوص صفات الاهی، مُجَسِّم می‌دانستند. ابن تیمیه معتقد بود دست، پا، ساق و وجه از صفات حقیقی خداوند هستند و او با ذات خود بر عرش استوار است.

منتقدان این دیدگاه، با اشاره به لازمه‌های چنین عقیده‌ای، یعنی تحیز و انقسام در ذات الاهی، به ابن تیمیه اعتراض می‌کردند. اما او در پاسخ، انکار می‌کرد که تحیز و انقسام مختص اجسام باشد و از این رو، لازمه‌ی این عقیده را نفی می‌کرد. این تناقضات آشکار، نشان‌دهنده‌ی انحراف ابن تیمیه از آموزه‌های اصیل دینی و غرق شدن او در افکار و تعصبات شخصی است.

#### ۴-۴. تکیه بر محفوظات شخصی

عسقلانی در یکی از کتاب‌های خود، از توسعه‌ی دانش ابن تیمیه در علوم عقلی و نقلی ابراز شگفتی می‌کند (عسقلانی، ۱۳۹۲: ۱۶۸/۱). اما در کتابی دیگر، هنگام معرفی علامه حلی، به ردیه‌ای که ابن تیمیه بر کتاب او نوشته اشاره می‌کند و دیدگاه خود را این‌گونه بیان می‌دارد:

«نظر من درباره‌ی او همان نظر سبکی است. او در ردّ احادیث علامه حلی کوشیده است، هر چند که بسیاری از آنها درست و نیکو هستند. او در این کار به منابع مراجعه نمی‌کرد، بلکه به محفوظات خود تکیه می‌کرد و انسان فراموش‌کار است. چه بسیار در توهین به علامه حلی مبالغه کرده و این کار او را به تقیص مقام علی علیه السلام کشانده است. توضیح و بیان مصادیق این موضوع در این کتاب نمی‌گنجد» (عسقلانی، ۱۳۹۰: ۳۱۹/۶-۳۲۰).

#### ۵. تطبیق نظر ابن تیمیه با علمای اهل سنت

همان‌طور که ذکر شد، ابن تیمیه پس از ردّ دیدگاه شیعه مبنی بر نزول آیه‌ی ولایت در حق حضرت علی علیه السلام، آنان را دروغگو خواند و حدیث مربوط به نزول این آیه در شأن ایشان را جعلی و ساختگی دانست. او برای ردّ این دیدگاه، به اجماع علما آگاه به نقل استناد کرد؛ در حالی که جمع قابل توجهی از علمای اهل سنت نیز در روایات متعدد خود، همان نظر شیعه را بیان کرده‌اند.

#### ۵-۱. دیدگاه عالمان سنی قبل از ابن تیمیه

جمعی از علمای اهل سنت قبل از ابن تیمیه، نزول آیه را در شأن افراد مختلفی ذکر کرده‌اند که از جمله آنان، علی بن ابی طالب علیه السلام است. از باب نمونه:

الف) ثعلبی (متوفای ۴۲۷ق) همان روایتی که طبرسی در مجمع البیان در مورد شأن نزول آیه‌ی ولایت ذکر نموده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۲۴-۳۲۵) را به‌طور کامل در تفسیرش آورده است (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۴/۸۰-۸۱).

ب) حاکم حسکانی (متوفای ۴۹۰ق) از علمای بزرگ اهل سنت نیز در کتاب «شواهد التنزیل» که از منابع معتبر تفسیر روایی اهل سنت به‌شمار می‌رود و مورد استناد شیعه و سنی هر دو است، از جمله صاحب کتاب گرانسنگ بحار از آن نقل کرده (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۹/۲۴).

(۲۷۱) و حتی سیوطی در درالمشور که مشهورترین تفسیر روایی اهل سنت محسوب می‌شود به‌طور مکرر به روایات آن استناد کرده تا جایی که حتی در برخی موارد در یک صفحه، چهار بار قول او را آورده است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴/۲۸۱). ذیل آیه‌ی ولایت، از طرق مختلف، روایات متعددی را از راویان سرشناسی آورده که همه‌ی آنها حاکی از نزول این آیه در باره‌ی علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشند؛ از جمله این راویان صحابه بزرگی چون عمار بن یاسر، جابر بن عبدالله انصاری، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، مقداد بن اسود کندی، ابوذر غفاری، عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب هستند (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱/۲۰۹-۲۴۵).

(ج) زمخشری (متوفای ۵۳۸ق) در تفسیرش آورده است: «آیه در باره‌ی علی علیه السلام نازل شد هنگامی که سائلی از او سؤال کرد، در حالی که او در رکوع نمازش بود و انگشترش را برای او انداخت، گویا در انگشت کوچک او بود و برای در آوردنش به عمل زیادی که مانند آن مفسد نماز است انجام نداد» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۶۴۹) وی سپس به شیوه‌ی ان قلت، قلت خود در تفسیر کشف این سؤال را که چگونه صحیح است که گفته شود، آیه در باره‌ی علی علیه السلام باشد در حالی که لفظ جمع است؟ با وجوهی پاسخ می‌دهد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۶۴۹).

(د) فخر رازی (متوفای ۶۰۶ق) می‌گوید: «در اینکه منظور از آیه چه کسانی هستند دو قول وجود دارد: یکی عموم مؤمنان و دیگری شخصی خاص که اقوال در آن را آورده است. از جمله روایت عطاء از ابن عباس را ذکر کرده که می‌گوید: آیه‌ی مذکور، درباره‌ی علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است و نیز روایت عبدالله بن سلام که بر نزول آیه‌ی در باره‌ی علی علیه السلام حکایت دارد. آنگاه متن روایت را از ابوذر نقل کرده و نظر شیعه در دلالت آیه بر امامت علی علیه السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله را آورده و آن را تقریر کرده و چند جواب داده است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۲/۳۸۲-۳۸۷).

برخی از علمای اهل سنت که شأن نزول آیه‌ی ولایت را به فردی غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت می‌دهند، مانند طبری (متوفای ۳۱۰ق) در تفسیر خود پس از نقل روایتی مبنی بر نزول آیه در شأن عبادة بن صامت، به اختلاف نظر مفسران در این باره اشاره می‌کنند. ایشان با استناد به روایاتی، شأن نزول آیه را به دو گونه بیان می‌کنند:

۱. برخی آن را به علی بن ابی طالب علیه السلام نسبت می‌دهند و می‌گویند در حالی که ایشان در

حال نماز و در رکوع بودند، فقیر از او تقاضای کمک کرد و حضرت انگشتر خود را به او بخشیدند.

۲. برخی دیگر شان نزول آیه را به همه‌ی مؤمنان نسبت می‌دهند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۸۶/۶).

نکته دیگر اینکه: اقوال ذکر شده، خود گواه بر این است که خبر نزول آیه‌ی ولایت در مورد علی علیه السلام امری روشن و بدیهی بوده و به راحتی قابل کتمان نبوده است. مفسران اهل سنت قبل از ابن تیمیه نه تنها مدعای اجماع او را در این زمینه تأیید نمی‌کنند، بلکه برخی از آنان خلاف آن را معتقد بوده و در اختصاص شأن نزول آیه به علی علیه السلام در حال رکوع، ادعای اجماع کرده‌اند. از جمله ابن عطیه (متوفای ۵۴۲ق) در تفسیر خود از آیه آورده است: «جمهور مفسرین اتفاق نظر دارند که کسی که در حال رکوع صدقه داد، علی بن ابی طالب است» (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲۰۸/۲).

## ۲-۵. دیدگاه عالمان سنی معاصر ابن تیمیه

علمای اهل سنت معاصر ابن تیمیه نیز ادعاهای او در ذیل آیه‌ی ولایت را مطرح نکرده‌اند. به عنوان نمونه:

الف) بیضاوی (متوفای حدود ۶۸۲ تا ۶۹۲ق) نیز گفته است: «إنها نزلت في علي عليه السلام حين سأله سائل وهو راعٍ في صلاته، فطرح له خاتمه» (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۳۲/۲). او نیز گفته است: «با اینکه حمل الفاظ جمع ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ بر مفرد خلاف ظاهر است؛ ولی نزول این آیه در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام صحیح است؛ زیرا شاید آمدن الفاظ جمع برای ترغیب مردم به مثل کاری است که او انجام داد. بدین جهت می‌گوییم: «تمجید از این اقدام؛ دلیلی است بر اینکه فعل قلیل، مبطل نماز نیست؛ و اینکه صدقه مستحبی، زکات نامیده می‌شود» (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۳۲/۲).

ب) نسفی (متوفای ۷۱۰ق) در تفسیر خود آورده است: «روایت شده است که آیه‌ای از قرآن کریم در شأن حضرت علی علیه السلام نازل شده است. ایشان در حال رکوع نماز بودند که انگشترشان که در انگشت کوچک دستشان بود و حرکت می‌کرد را به سوی سائلی که درخواست کمک کرده بود، انداختند. البته برای خارج کردن انگشتر از دست، عملی که موجب بطلان نماز باشد انجام ندادند. در روایات متعددی به این واقعه اشاره شده است و با الفاظ جمع ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ

يُفِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ ﴿﴾ از آن یاد شده است. این جمع‌آوری با وجود اینکه فاعل این عمل حضرت علی علیه السلام بوده‌اند، به جهت ترغیب و تشویق مردم به انجام چنین اعمال نیکو و کسب ثواب آن صورت گرفته است» (نسفی، ۱۴۱۶: ۱/ ۴۱۸). این مفسر اهل سنت نیز، بر اساس آن، به استنباط حکم فقهی روی آورده و چنین نگاشته است: «آیه بر جواز صدقه در نماز و عدم بطلان نماز با انجام فعل اندک دلالت می‌کند» (نسفی، ۱۴۱۶: ۱/ ۴۱۸). نکته‌ی قابل توجه: حتی کسانی که اجماع بر نزول آیه‌ی ولایت برای علی علیه السلام را نمی‌پذیرند، در بیان شبهه‌ی خود به شکل‌گیری اجماع مفسران اهل سنت در این زمینه اذعان کرده‌اند (ایجی، ۱۳۲۵: ۸/ ۳۶۰).

### ۳-۵. دیدگاه عالمان سنی بعد از ابن تیمیّه

علمای اهل سنت پس از ابن تیمیّه، ادعای او مبنی بر عدم نزول آیه‌ی ولایت در شأن امام علی علیه السلام را رد کرده و اجماع بر نزول آن آیه در این شأن را بیان نموده‌اند. از جمله این علماء: الف) ثعالبی (متوفای ۸۷۵ق): او می‌گوید: «جمهور علماء اتفاق نظر دارند که آیه‌ی ولایت در مورد کسی نازل شده که در حال رکوع انگشتر خود را بخشیده است و آن شخص، علی بن ابی طالب علیه السلام است (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۲/ ۳۹۶).

ب) سیوطی (متوفای ۹۱۱ق): در تفسیر خود، ذیل آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی مائده (آیه‌ی ولایت)، روایتی از ابن جریر و ابن ابی حاتم از عطیة بن سعد نقل می‌کند که آیه را در مورد عبادة بن صامت نازل شده می‌داند. اما پس از آن، ۱۰ روایت دیگر می‌آورد که همگی، آیه را در شأن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام معرفی می‌کنند. از جمله دو روایت ابن جریر، یکی از طریق مجاهد و دیگری از طریق امام باقر علیه السلام، و یک روایت نیز از ابن ابی حاتم از طریق سلمة بن کهیل. با وجود این روایات متعدد، روایت اول سیوطی معارض پیدا می‌کند. بررسی این تناقض و صحت هر یک از این روایات، موضوعی است که نیاز به بحث و بررسی جداگانه دارد (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۴-۲۹۳).

ج) آلوسی (متوفای ۱۲۷۰ق): در تفسیر خود روح المعانی، ذیل آیه‌ی ولایت، دیدگاه غالب اخباریون را مبنی بر نزول این آیه در شأن علی علیه السلام نقل می‌کند. او این روایت را با سند متصل از

ابن عباس از طریق حاکم نیشابوری و ابن مردویه روایت می‌کند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۳۳۴). پس از ذکر متن روایت، آلوسی به شعری از حسان بن ثابت در مدح علی علیه السلام اشاره می‌کند که مضمونی مرتبط با آیهی ولایت دارد. در ادامه، به استدلال شیعه بر امامت علی علیه السلام از این آیه می‌پردازد و وجوه مختلف پاسخ اهل سنت به این استدلال را بیان می‌کند.

یکی از این پاسخ‌ها، روایتی است که از ابوبکر نقاش از امام محمدباقر علیه السلام نقل شده است. در این روایت، امام باقر علیه السلام در تفسیر آیهی ولایت، مهاجرین و انصار را مصداق آن می‌داند و در پاسخ به قولی که نزول آیه را در شأن علی علیه السلام می‌داند، می‌فرماید: «او نیز از آنهاست» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۳۳۵).

د) محمد رشید رضا (متوفای ۱۳۵۴ق): نیز روایات متعددی از شیعه راجع به نزول آیهی ولایت در شان امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل می‌کند. ماجرا از این قرار است که سائلی در مسجد به ایشان برمی‌خورد و حضرت انگشتر خود را به او می‌بخشد. رشید رضا در ادامه می‌گوید: «اما اینکه در آیه از مؤمنین به صورت مفرد یاد شده و اعطای زکات را مظهر ایمان دانسته، امری است که در کلام فصحا نیز دیده نمی‌شود. آیا با توجه به تناقض این امر با سیاق آیه، می‌توان آن را در کلام معجزه‌آسای الهی پذیرفت؟»

شیعه بر اساس روایات مربوط به نزول آیهی ولایت، از آن برای اثبات امامت علی علیه السلام استدلال می‌کند و «ولی» در آیه را به معنای متصدی امور امت می‌داند. در حالی که پیش‌تر به ناتوانی یک فرد واحد از میان «مؤمنین» در تصدی چنین امری اشاره کردیم و از سیاق آیه دریافتیم که مراد از ولایت در اینجا، یاری و نصرت است، نه تصرف و حکم؛ چرا که این نوع از ولایت با سیاق آیه سازگار نیست (رشید رضا، ۱۴۱۴: ۶/۴۴۲).

نویسنده پس از بیان اینکه رازی و اندیشمندان دیگر با استدلال‌های گوناگون، دیدگاه شیعه را رد کرده‌اند، چنین می‌گوید: «این مجادلات نه تنها سودی ندارند، بلکه زیان‌بار نیز هستند. چرا که موجب پراکندگی و ضعف امت اسلامی می‌شوند. به همین دلیل، ما وارد این بحث‌ها نمی‌شویم. اگر در قرآن کریم به طور واضح به موضوع امامت اشاره شده بود، صحابه هیچ‌گاه در این مورد اختلاف نظر نمی‌داشتند و یا دست کم، برخی از آنها با برخی دیگر به استناد آیات قرآن

مجادله می کردند. اما چنین چیزی در تاریخ نقل نشده است» (رشید رضا، ۱۴۱۴: ۶/۴۴۳). البته برخی مفسران، مانند ابن حجر هیتمی (متوفای ۹۷۴ق)، با اجماع بر نزول آیه در شأن علی علیه السلام مخالفت کرده اند و در این باره شبهه‌ای مطرح کرده اند. ابن حجر می گوید: «ادعای اجماع بر نزول این آیه در مورد علی باطل است» (هیتمی، ۱۴۳۱: ۱/۱۰۵).

## ۶. دیدگاه شاگردان ابن تیمیه

عده‌ای از پیروان ابن تیمیه، تحت تاثیر افکار او، به شدت منکر شأن نزول آیه‌ای که در مورد امام علی علیه السلام روایت شده، شده اند. این افراد در کتب خود ذیل آیه‌ی مذکور، به ترویج نظرات و افکار ابن تیمیه در این زمینه پرداخته اند. در ادامه به برخی از این افراد و دیدگاه‌هایشان اشاره می شود:

### ۶-۱. ابن قیم جوزیه

ابن قیم (متوفای ۷۵۱ق) پس از آنکه تعمیم آیات قرآن را بر موارد خاص، تعطیلی دلالت آیه، خارج شدن از مقصود آن، هضم معنا و از بین بردن فایده آن می داند، می گوید: «مانند قول رافضه در مورد آیه ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾ که می گویند: «إِنَّ الْمُرَادَ بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. وَ هَذَا كَذِبٌ قَطْعاً عَلَى اللَّهِ أَنَّهُ أَرَادَ عَلِيًّا وَ حَدَهُ بِهَذَا اللَّفْظِ الْعَامِّ الشَّامِلِ لِكُلِّ مَنْ اتَّصِفَ بِهَذِهِ الصِّفَةِ؛ مراد از آیه علی بن ابی طالب است و این قطعاً کذب بر خداست که با این لفظ عامی که شامل هر کسی که متصف به آن صفت است می شود، فقط علی را اراده کرده باشد» (ابن قیم، ۱۴۴۲: ۱/۳۹۵-۳۹۶).

تذکر: در بحث «نقدهای وارده بر شبهه‌ی ابن تیمیه» شاهد پاسخ و نقد این سخن خواهید بود.

### ۶-۲. ابن کثیر

إسماعیل بن کثیر دمشقی (متوفای ۷۴۴ق) شاگرد دیگر ابن تیمیه که از وی با القابی چون «شیخ الاسلام» یاد می کند (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۴۱/۱۴). در تفسیرش (تفسیر القرآن العظیم)، ذیل آیه‌ی «ولایت» آورده است: «برخی از مردم توهم کرده اند که جمله‌ی ﴿وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ در

موضع حال از جمله‌ی ﴿وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ﴾ است به این معنا که زکات می‌دهند در حالی که رکوع کننده هستند. در صورتی که اگر چنین باشد پرداخت زکات در حال رکوع، افضل از حال غیر رکوع است. زیرا پرداخت زکات در حال رکوع، ممدوح شمرده شده است. در حالی که نزد هیچ کدام از علما و ائمه‌ی فتوا که من می‌شناسم، امر این‌گونه نیست و حتی بعضی از شیعیان خبری از علی بن ابی طالب ذکر کرده‌اند که آیه در مورد او نازل شده است و آن اینکه سائلی در حال رکوع او بر وی گذشت و او انگشترش را به سائل عطا کرد» (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۲۵/۳ و ۱۲۶) سپس ابن کثیر ۱۱ روایت در مورد اینکه شأن نزول آیه‌ی ولایت درباره علی بن ابی طالب علیه السلام است را ذکر نموده است. که به ۵ مورد آن اشکال سندی وارد می‌کند سپس نظر خودش در رابطه با شأن نزول این آیه را بیان می‌کند، مبنی بر اینکه طبق احادیثی که آوردیم، همه‌ی آیات ۵۱ تا آیه ۵۵ مانده در باره‌ی عبادت بن صامت نازل شده است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۲۶/۳ - ۱۲۷). این در حالی است که خود ابن کثیر در ذیل آیه‌ی ۵۱ مانده اذعان کرده است که مفسران در سبب نزول این آیات اختلاف نظر دارند و با استناد به روایات، اقوال مختلف مطرح شده در شأن نزول آیه‌ی ولایت را آورده که عبارتند از: دو مرد بعد از واقعه احد، ابی لبابه بن عبدالمنذر، عبدالله بن ابی ابن سلول و عبادت بن صامت (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۲۱/۳).

## ۷. نقدهای وارد بر شبهه ابن تیمیه

بر شبهه‌ی منقول از ابن تیمیه در جهت نفی نزول آیه‌ی ولایت در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام، نقدهای روشن فراوانی وارد است؛ که از باب نمونه، به ذکر برخی از آنها پرداخته می‌شود:

الف) چگونه می‌توان با وجود این همه مستندات دال بر نزول آیه‌ی ولایت در شأن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، آنها را انکار کرد و همه را جعلی و ساخته و پرداخته برخی افراد دروغگو دانست؟ این انکار، خصوصاً با توجه به سندیت برخی از این روایات به یاران بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله مانند خود امیرالمؤمنین علی علیه السلام، عمار بن یاسر، جابر بن عبدالله انصاری، مقداد بن اسود کندی، ابوذر غفاری و عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب، عجیب‌تر به نظر می‌رسد.

ب) بررسی‌ها نشان می‌دهد که هیچ‌یک از علمای فریقین (اعم از پیشینیان، معاصران و متأخرین ابن تیمیه) ادعای اجماع او را تأیید نکرده‌اند. در هر دوره‌ی تاریخی، اجماعی

مخالف نظر او وجود داشته است. با این اوصاف، این پرسش مطرح می‌شود که مبنای این اجماعی که ابن تیمیه از آن سخن می‌گوید چیست، چرا که در هیچ منبعی اثری از آن یافت نمی‌شود؟

ج) چگونه ابن تیمیه مدعی اجماع علماء بر کذب بودن شان نزول آیهی ولایت در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام است، در حالی که علمای اهل سنت بر پایه‌ی همین شان نزول، فتوا به جواز فعل صغیر در حال نماز داده و آن را از آیات الاحکام می‌شمارند؟

### نمونه‌ای از این تناقض

جصاص (متوفای ۳۷۰ق): در کتاب فقهی خود، بر اساس این آیه، بابی با عنوان «عمل یسیر در نماز» آورده است. او پس از ذکر آیهی ولایت، روایتی از مجاهد، سُدّی و ابی جعفر مبنی بر نزول آیه در شان علی علیه السلام و صدقه دادن انگشتر ایشان در حال رکوع را نقل می‌کند. جصاص این عمل را دال بر مباح بودن فعل صغیر در نماز دانسته و در نهایت، آیه را دلیل بر نامیده شدن صدقه مستحبی به زکات می‌داند، چرا که علی علیه السلام انگشتر خود را به طور داوطلبانه و از روی اختیار صدقه داده بود.

### تناقضات دیگر

- علمای اهل سنت در کتب تفسیر و تاریخ خود، شان نزول آیهی ولایت را در مورد علی علیه السلام نقل کرده‌اند.

- برخی از احادیث صحیح بخاری و مسلم نیز بر این شان نزول دلالت دارند.

### نتیجه گیری

ادعای ابن تیمیه مبنی بر اجماع علماء بر کذب بودن شان نزول آیهی ولایت در مورد علی علیه السلام با توجه به شواهد و مدارک موجود، مردود است. شان نزول آیهی ولایت در مورد علی علیه السلام از جمله مباحث مورد اختلاف بین علمای اسلام است و ادعای اجماع بر خلاف آن، فاقد اعتبار علمی است (جصاص، ۱۴۰۵: ۱۰۲/۴).

د) یکی از استدلال‌های ابن تیمیه برای ردّ شان نزول آیه‌ای در مدح حضرت علی علیه السلام، استفاده از صیغهی جمع در متن آیه است. با این حال، ابن کثیر، شاگرد او، که در پی انکار این

شان نزول برآمده، در نهایت آن را به فردی به نام عباده بن صامت نسبت می‌دهد. این تناقض در استدلال، به تناقضات دیگر در میان اهل سنت در تفسیر آیات قرآن می‌افزاید، چرا که در موارد متعددی، صیغهی جمع در قرآن کریم برای اشاره به یک فرد خاص به کار رفته است. به عنوان نمونه:

اول: پیرامون آیهی ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ﴾ (بقره: ۲۷۴) آمده است که با وجود استفاده از ضمایر جمع در این آیه، برخی آن را در شأن ابوبکر و برخی دیگر در شأن علی می‌دانند. ابن عباس نیز روایتی در این خصوص نقل کرده است (کشاف، ۱۴۰۷: ۱/۳۱۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۱/۷۱).

دوم: فخر رازی در تفسیر خود برای آیه ﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ﴾ (بقره: ۲۱۵) دو شأن نزول نقل می‌کند که هر دو، نزول آیه را در مورد شخص خاصی می‌دانند:

شأن نزول اول: طبق روایت عطاء از ابن عباس، این آیه در مورد مردی نازل شده که نزد پیامبر ﷺ آمد و پرسید که به ترتیب، از یک تا شش دینار را به چه کسانی انفاق کند. پیامبر ﷺ به او پاسخ دادند.

شأن نزول دوم: طبق روایت کلبی از ابن عباس، این آیه در مورد عمرو بن جموح، پیرمردی ثروتمند، نازل شده است. او در جنگ احد شهید شد و اموال فراوانی از خود به جای گذاشت. از پیامبر ﷺ پرسید که چه مقدار از اموالش را و در چه راهی انفاق کند. در پی این پرسش، آیه مذکور نازل شد (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۶/۳۸۱).

سوم: نیز در مورد آیهی مباحله ﴿فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ (آل عمران: ۶۱) عده‌ای از مفسرین اهل سنت مصداق «نساءنا» را شخص حضرت فاطمه علیها السلام بیان کرده‌اند، با این‌که در آیهی شریفه، با لفظ جمع «نساءنا» از آن حضرت یاد شده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۳۶۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲/۲۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲/۱۸۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/۳۹).

بنابراین مشخص است که استفاده از صیغهی جمع برای مفرد، در ادبیات عرب، معمول بوده

است. در زبان فارسی نیز این نوع کاربرد برای احترام رواج دارد. حال چگونه است که به آیهی ولایت که می‌رسیم گفته می‌شود: آوردن صیغهی جمع برای ارادهی مفرد صحیح نیست؟! مگر «ولی» در آیهی ولایت به چه معناست که ارادهی یک فرد از لفظ جمع برای برخی انگیزشی جهت تکذیب و انکار ایجاد کرده تا جایی که حتی قواعد ادبیات عرب نیز به خاطر آن باید نادیده انگاشته شود؟ خدای متعال نیز در قرآن برای خود صیغهی جمع ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ آورده است؛ آیا درست است بگوییم چنین کاربرستی صحیح نیست؟! البته همان‌گونه که برخی (ر.ک: ملاموسی میبدی، ۱۳۹۲: ۱۲۷-۱۳۴) گفته‌اند و پاسخ نیز داده‌اند این تیمیه در این آیه نیز با همان ادعای عدم دلالت لفظ جمع بر مفرد، این نتیجه را به مخاطبش القا کرده است که آیهی مباهله عام است و شامل غیر اهل بیت علیهم‌السلام هم می‌شود. در واقع او جایی که به جهت روشنی مطلب قدرت انکار آیه در حق اهل بیت علیهم‌السلام را نداشته کوشیده است تا با شریک کردن دیگران در این امتیاز ویژه، فضیلت اختصاص آن به اهل بیت علیهم‌السلام را انکار کند.

همان‌گونه که قبلاً یاد آور شدیم، ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم و دیگران در حالی این‌گونه بر شیعه تاخته‌اند که بسیاری از اهل تسنن نیز آیهی ولایت را در شأن یک نفر دانسته‌اند؛ یا علی علیه‌السلام یا عبدالله بن صامت؛ و جالب است که در هیچ نگاشته‌ای، از طرف ایشان اشکال مذکور در مورد عبدالله بن صامت مطرح نشده است. علاوه بر آن بسیاری از علمای بزرگ اهل تسنن ذکر لفظ جمع و ارادهی فرد را پذیرفته و توضیح داده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۴۹/۱؛ نسفی، ۱۴۱۶: ۴۱۸/۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۳۲/۲).

## نتیجه‌گیری

از مطالعه و دقت در مجموعهی مطالب یاد شده در صفحات پیشین؛ به نتایج ذیل دست خواهیم یافت:

۱. شبهه‌ی ابن تیمیه در جهت انکار نزول آیهی ولایت در مورد علی بن ابی طالب علیه‌السلام؛ صرفاً یک ادعاست و هیچ دلیل عقلی و نقلی بر صحت آن وجود ندارد. لذا یک بدعت است و پیش از آن سابقه نداشته است.

۲. شبهه‌ی مذکور، حتی در زمان طرحش، باز خورد منفی داشته و حتی علمای اهل سنت نیز

آن را برنتافته‌اند. وجود ردّیه‌های گوناگون از سوی علمای فریقین در نقد و ردّ این دیدگاه شاهدهی بر این مطلب است. و حتی می‌توان گفت تعدد منابع اهل تسنن در این زمینه در ابطال این شبهه کافی است و نوبت به منابع مستدل شیعه نمی‌رسد.

۳. دلایلی که این تیمیه در جهت تثبیت شبهه و مدعای خود آورده؛ ضمن آنکه با بهره‌وری از نوشته‌های بزرگان شیعی، به آسانی قابل نقد می‌باشد؛ با رجوع به منابع و آثار علمای بزرگ اهل سنت نیز قابل نقض بوده؛ و بر اساس تحلیل نحوی هم، رفع می‌گردد. و این حاکی از عدم وجود مبنای علمی و شرعی در دیدگاه‌های اوست؛ و نشان می‌دهد که شبهه و آرای وی، برآمده از حقد و کینه‌ی شخصی او نسبت به ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام است.

۴. اینکه اطلاق لفظ جمع در موارد دیگری در سایر آیات، مورد حساسیت و انکار قرار نمی‌گیرد، نشان از مسئله‌ی بسیار با عظمت معنای ولی در آیه‌ی ولایت است که برخی را به آن وا می‌دارد که حتی قوانین ادبیات عرب را نیز منکر شوند و آن چیزی جز مسئله‌ی امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیست. بنابراین دشمنی در این زمینه بیش از آنکه نور حقیقت را خاموش کند حقایق را برملا ساخته است.

## كتابنامه

- قرآن كريم (١٣٧٣). ترجمه ناصر مكارم شيرازى، قم، دارالقرآن.
١. ابن ابى حاتم رازى، عبدالرحمن بن محمد (١٤١٩). **تفسير القرآن العظيم**، محقق اسعد محمد طيب، رياض، مكتبة نزار مصطفى الباز.
  ٢. ابن تيمية الحرانى، تقى الدين ابوالعباس احمد بن عبدالحليم (١٤٠٦). **منهاج السنة النبوية فى نقض كلام الشيعة القدرية**، بى جا، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.
  ٣. ابن تيمية الحرانى، تقى الدين ابوالعباس احمد بن عبدالحليم (١٤١٦). **مجموع الفتاوى**، محقق عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، المدينة النبوية، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
  ٤. ابن حجر الهيتمى، أحمد بن محمد بن على (١٤١٧). **الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال و الزندقة**، محقق عبدالرحمن بن عبدالله تركى، بيروت، مؤسسة الرسالة.
  ٥. ابن حجر عسقلانى، أبوالفضل أحمد بن على (١٣٩٠). **لسان الميزان**، بيروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
  ٦. ابن حجر عسقلانى، أبوالفضل أحمد بن على (١٣٩٢). **الدرر الكامنة فى أعيان المائة الثامنة**، محقق محمد عبد المعيد ضان، هند حيدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانية.
  ٧. ابن عطية، عبدالحق بن غالب (١٤٢٢). **المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز**، محقق محمد عبدالسلام عبدالشافى، بيروت، دارالكتب العلمية.
  ٨. ابن فارس، احمد (١٤٠٤). **معجم مقائيس اللغة**، محقق هارون عبدالسلام، قم، مكتب الاعلام الاسلامى.
  ٩. ابن قيم جوزية، أبو عبدالله محمد بن أبى بكر بن أيوب (١٤٤٢). **اصواعق المرسله على الجهمية والمعتلة**، محقق حسين بن عكاشة بن رمضان، بيروت، دار ابن حزم.
  ١٠. ابن كثير، عمادالدين ابوالفداء اسماعيل بن عمر (١٤٠٨). **البداية والنهاية**، محقق على شيرى، بيروت، دار احياء التراث العربى.
  ١١. ابن كثير، عمادالدين ابوالفداء اسماعيل بن عمر (١٤١٩). **تفسير القرآن العظيم**، محقق محمد حسين شمس الدين، بيروت، دارالكتب العلمية.
  ١٢. ايجى، مير سيد شريف (١٣٢٥). **شرح المواقف**، قم، الشريف الرضى.
  ١٣. آلوسى، محمود بن عبدالله (١٤١٥). **روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم و السبع المثانى**، سناء بزيع شمس الدين، محقق عطيه عبدالبارى، بيروت، دارالكتب العلمية.
  ١٤. بحراني، سيدهاشم بن سليمان (١٤١٥). **البرهان فى تفسير القرآن**، محقق بنياد بعثت، قم، مؤسسة البعثة، قسم الدراسات الإسلامية.
  ١٥. بغوى، حسين بن مسعود (١٤٢٠). **تفسير البغوى المسمى معالم التنزيل**، محقق عبدالرزاق مهدى، بيروت،



دار إحياء التراث العربي.

١٦. بيضاوى، عبدالله بن عمر (١٤١٨). *أنوار التنزيل وأسرار التأويل* (تفسير البيضاوى)، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
١٧. ثعالبي، عبدالرحمن بن محمد (١٤١٨). *الجواهر الحسان في تفسير القرآن* (تفسير الثعالبي)، محقق عادل احمد عبدال موجود، ابوسنه، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
١٨. ثعلبي، احمد بن محمد (١٤٢٢). *تفسير الكشاف والبيان* (تفسير الثعلبي)، محقق محمد بن عاشور، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
١٩. جصاص، احمد بن علي (١٤٠٥). *احكام القرآن*، محقق محمد صادق قمحاوي، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
٢٠. جوهرى، اسماعيل بن حماد (١٣٧٦). *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية*، محقق احمد بن عبدالغفور عطار، بيروت، دار العلم للملايين.
٢١. حسنى، عبيدالله بن عبدالله (١٤١١). *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل*، محقق محمد باقر محمودى، تهران، وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامى.
٢٢. حسيني ميلانى، سيدعلى (١٤١٩). *دراسات في منهج السنة لمعرفة ابن تيمية عقيدة و علماً و عدالة*، بي جا، بي نا.
٢٣. راغب اصفهاني، حسين بن محمد (١٤١٢). *مفردات الالفاظ القرآن*، بيروت، دار القلم.
٢٤. رشيدرضا، محمد (١٤١٤). *تفسير القرآن الحكيم* (تفسير المنار)، بيروت، دار المعرفة.
٢٥. زمخشري، محمود بن عمر (١٤٠٧). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل*، مصحح مصطفى حسين احمد، بيروت، دار الكتاب العربي.
٢٦. سبحانى، جعفر (١٣٨٤). *كاوش هاى پيرامون ولايت*، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام.
٢٧. سبكي، تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين (١٤١٣). *طبقات الشافعية الكبرى*، محقق محمود محمد الطناحي، بيروت، هجر للطباعة والنشر والتوزيع.
٢٨. سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر (١٤٠٤). *الدر المنثور في تفسير بالمأثور*، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى رحمته الله.
٢٩. شوكانى، محمد بن علي بن محمد عبدالله (١٤٣١). *البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع*، بيروت، دار المعرفة.
٣٠. صائب عبدالحميد (١٤١٤). *ابن تيمية حياته و عقائده*، قم، مركز الغدير للدراسات الاسلامية.
٣١. طباطبايى، سيد محمد حسين (١٣٩٠). *الميزان في تفسير القرآن*، بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.

۳۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البيان في تفسير القرآن*، مصحح فضل الله يزدي طباطبائي، تهران، ناصر خسرو.
۳۳. طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲). *جامع البيان في تفسير القرآن*، بيروت، دارالمعرفة.
۳۴. عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰). *التفسیر*، (تفسیر العیاشی)، محقق هاشم رسولی، تهران، مكتبة العلمية الاسلامية.
۳۵. فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰). *التفسیر الكبير*، (مفاتيح الغیب)، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). *العین*، قم، هجرت.
۳۷. فیومی احمدبن محمد (۱۴۱۴). *مصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم، مؤسسه دارالهجرة.
۳۸. قرطبی، محمدبن احمد (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۳۹. قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا (۱۳۶۸). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، محقق حسین درگاهی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۰. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). *تفسیر القمی*، محقق طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب.
۴۱. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰). *تفسیر فرات الكوفی*، محقق محمد کاظم، تهران، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي.
۴۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
۴۳. مرتضی زبیدی، محمدبن محمد (۱۴۱۴). *تاج العروس من جواهر القاموس*، محقق علی شیری، بيروت، دارالفکر.
۴۴. مروجی طبسی، محمد محسن (۱۳۹۸). *مناسبات فکری عثمانیه و ابن تیمیه در مواجهه با فضائل اهل بیت (علیهم السلام)*، قم، دارالأعلام لمدرسة اهل البيت.
۴۵. ملاموسی میبدی، علی (۱۳۹۲). *نقد دیدگاه ابن تیمیه در شأن نزول آیه مباهله*، مجله سراج منیر، سال سوم، ش ۱۱.
۴۶. نسفی، عبدالله بن احمد (۱۴۱۶). *مدارك التنزيل و حقایق التاویل* (تفسیر النسفی)، بيروت، دارالنفائس.
۴۷. واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۴۱۵). *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزيز*، محقق صفوان عدنان داوودی، بيروت، دارالعلم.

